



روایت

دکتر سیامک شایان

همه دغدغه‌های زمین!
انترن جراحی بیمارستان لقمان بودم . در یکی از کشیک‌ها در اورژانس جراحی، سر و صدای یکی از مریض‌ها توجهم را جلب کرد و به اورژانس داخلی رفتم . زن میانسالی مرتب می گفت: الان بچه‌ام می‌میره ، پراش به کاری بکنید .

مریض داخل‌ها بود ، یک پسر ۲۳ ساله که از شش مسالگی به خاطر ایسلا به تب روماتیسمی دچار مشکل دریچه‌ای قلب شده بود (تنگی آئورت) و حالا به دلیل درد شدید قفسه سینه او را به اورژانس آورده بودند . کارهای مریض انجام و وضعیتش بهتر شد اما زردی‌دنت قلب دستور اعزام سریع او را به بیمارستان شهید رجایی داد . تا وضعیت مریض تثبیت شود و برایش پذیرش بگیرند و کارهای آزمایش ردیف شود ، سه چهار ساعتی توی اورژانس و داخل اتاق آجیا بود. با دوستی که انترن داخلی بود بالای سرش رفتم . مریض جالبی بود انگار هاریسون را گذاشته باشد. گلویش و از روی آن مریض شده باشد ! یک «واو» را هم جا نینداخته بود. تنبیک مریض، تنگی اکسپای آئورت بود . این پسر توصیف جالبی از دردهای قلبی و تنگی نفسش داشت ، می گفت خانوم دکتر من که هیچ وقت نتونستم با این وضع قاطی قلبم برم کوه ، فقط از دور نمای کوه‌های شمال تهران رو دیدم .

احتمالاً شما رفتی و بهتر می تونی بفهمی چی می‌گم، اون کوه‌سا رو در نظر بگیر بعد فکر کن اون کوه‌ها روور داشتن گذاشتن روی سیته ات ، می تونی تصور کنی چقدر سنگینه ! این چند ماه اخیر هم دردی من این طوری شنده ، با خنده به پسر گفتم پس تو الان دامنه کوهی دیگه ! گفتم خانوم دکتر امروز دیگه احساس می‌کردم تمام دنیا روی قلبم وابساده و داره فشارش می ده ... وصف الحال آن پسر در خاطرتم مانده است . زمان‌هایی در زندگی هست که نفس کشیدن سخت و سنگین می‌شود و خودت را از هر نوع دل‌خوشی خالی می بینی و مقهور دنیایت می شوی . این وقت‌ها با آن پسر یک جور تشابه و نزدیکی احساس می‌کنم.



روژشمار پزشکی

جمعه ۱ دی
۲۲ دسامبر ۱۹۰۲ میلادی: درگذشت ریچارد کرافت اینبگ، متخصص اعصاب و روان آلمانی
شنبه ۲ دی
۲۳ دسامبر ۱۹۵۴ میلادی: نخستین عمل جراحی پیوند کلیه در بیمارستان پیتربت در شهر بوستون زیر نظر دکتر جان مریل انجام شد.
یک شنبه ۳ دی
۲۴ دسامبر ۱۸۰۸ میلادی: درگذشت دکتر توماس بروس، پزشک و فیلسوف انگلیسی.
دوشنبه ۴ دی
۲۵ دسامبر ۱۹۰۱ میلادی: تولد ریچاردای شاپ، پزشک آمریکایی و نخستین فردی که موفق به جداسازی ویروس آنفلوانزا شد.
سه شنبه ۵ دی
۲۶ دسامبر ۱۸۹۶ میلادی: درگذشت اینریش دوویس –ریموند، پزشک آلمانی و پایه‌گذار الکتروفیزیولوژی نوین
چهارشنبه ۶ دی
۲۷ دسامبر ۱۸۸۲ میلادی: تولد لویی پاستور، میکروبی‌شناس فرانسوی.
پنجشنبه ۷ دی
۲۸ دسامبر ۱۹۹۴ میلادی: تولد کاری بانکس مولیس، بیوشیمیدان آمریکایی که توانست جایزه نوبل شیمی را در سال ۱۹۳۳ به خاطر ابداع روش PCR ببرد.
شنبه ۹ دی
۳۰ دسامبر ۱۸۹۹ میلادی: درگذشت سرجیمز پاژه، جراح انگلیسی که می‌توان او را از پایه‌گذاران دانش پاتولوژی دانست.
یک شنبه ۱۰ دی
۳۱ دسامبر ۱۹۴۰ میلادی: درگذشت ژاک آرسن دارستول پزشک و فیزیكدان فرانسوی که تحقیقات فراوانی را در مورد الکتروترابی انجام داد.

ترجمان درد Pain Translation



او چه می‌داند بر من چه می‌گذرد؟

پیام کانوز

اما با موازین اخلاق پزشکی در تضاد است. همان‌طور که گفته شد، آگاهی بیمار از وضعیت بیماری‌اش حق اولیه و ذاتی بیمار است. دانستن واقعیتی که بسرا قفسد اتفاق می‌افتد، جزو انسانی‌ترین حقوق اوست.
بیماری که از وضعیت وخیم خود اطلاع می‌کند دارد به زندگی که اصلی‌ترین معنای وجودی هر انسانی است، خوش بینانه نگاه می‌کند. در حالی که پزشک می‌داند وضعیت بیمار آن گونه که او فکر می‌کند نیست، بنابراین پزشکی که مسئولیت بیمار خود را پذیرفته، به نوعی این بخش از مسئولیت او را در نظر گرفته است. در مواردی که هزینه درمان و مسقت آن برای بیمار سنگین و نتیجه درمان نیز قابل قبول است، تنها بازنده اصلی بیمار است. در این‌فصل‌های بهداشتی کنورهای پیشرفته، علاوه بر میزان کیفیت زندگی خود می‌شود، با پیشرفت بیشتر بیماری فرد آگاه می‌شود که خوش‌بینی‌اش واقعی نبوده و امید

بیماری تشخیص داده شده است. بیمار می‌پرسد: بیماری‌اش چیست؟ نگاهتان به بیمار می‌افتد، مضطرب است. نگاهتان را به جای دیگری می‌برد و می‌خواهد شروع کنید. بقای ۵ ساله این بیماری، کمتر از ۲۰ درصد است اما بیان این جمله راحت نیست.

نمای اول: بیماری من چیست؟

در اخلاق پزشکی، یکی از وظایف پزشک Disclosure یا افشا است. بیمار حقی دارد از بیماری خود مطلع شود. این اطلاع باید برای بیمار قابل فهم باشد. به طوری که وضعیت بیماری کاملاً برای او مشخص شود. روشن شدن این وضعیت در بیماری‌های جدی بسیار حساس است. توضیح نامناسب وضعیت بیماری می‌تواند بسر روی بیمار دو اثر کاملاً متفاوت داشته باشد؛ از طرفی می‌تواند موجب افسردگی و ناامیدی بیمار شود و از طرف دیگر بیمار دچار خوش‌بینی غیرواقعی شود. بیمار ناامید، اقدام‌های پزشکی را وسیله مناسبی برای درمان خود ندانسته و ممکن است به هر وسیله‌ای دست زند تا اندکی آرامش یابد. بیماران با توجه به ریشه‌های فرهنگی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند و با توجه به باورهای خود، به مذهب، عواامل ماورا و انرژی درمانی متوسل می‌شوند. بنابراین تعقل پزشک که تنها بر اساس علم و وظیفه انسانی خود عمل می‌کند، حیاتی است. در جوامع مدرن، پزشکان در این زمینه مشکلات کمتری دارند. افراد واقع گرایانه‌تر با مشکل خود برخورد نموده و پزشک را به عنوان فردی آگاه‌تر و مؤثرتر در درمان خود می‌پذیرند. در چنین شرایطی پزشک بهتر می‌تواند مسائلی چون پیش آگهی، بقا و شیوه‌های درمانی را برای بیمار توضیح داده و بیمار در درمان خود مشارکت بهتری با پزشک خواهد داشت اما شرایطی که در جامعه ما جریان دارد، بسیار متفاوت است. شرایط فرهنگی و دید اجتماعی، اعتماد کمتری را نسبت به پزشکان به وجود آورده است. موضوع بسیاری از سرریال‌ها و فیلم‌ها رساله ملی موجب ترویج همین مسئله می‌شود؛ انواع بیماری‌هایی که در علم پزشکی بر اساس موازین علمی درمانی ندارند به وسیله عوامل مجری‌اعقول درمان می‌شوند. در این شرایط پزشکان خواه، ناخواه از واقعیت فاصله می‌گیرند. بیشتر پزشکان از بیان درست پیش آگهی، میزان بقا و تغییر کیفیت زندگی برای بیمار عاجزند. این عدم توانایی پزشکان تا حدودی قابل درک است

طیب‌درد

به‌ادامه زندگی غیرممکن است. در این حالت چه اتفاقی روی می‌دهد؟

نمای سوم: نگاه ایوانالیچ به پزشک معالج
«ایوانالیچ» شخصیت داستانی از تولستوی است. او با توجه به علامی که در طول داستان از بیماری‌اش ذکر می‌شود دچار سرطان معده شده است. در ابتدای بیماری پزشک علمت وی را به هر چیزی ربط می‌دهد غیر از یک بیماری صعب‌العلاج. ایوانالیچ با انگیزه و امید به زندگی روزمزه خود ادامه می‌دهد. اما با پیشرفت بیماری در می‌یابد که در حال مردن است. حال او هر روز بدتر می‌شود و پزشک وضعیت او را به گونه‌ای توجیه می‌کند. ایلچ به پزشک نگاه می‌کند و می‌داند که در حال مرگ است و به خود می‌گوید «او چه می‌داند بر من چه می‌گذرد؟». در یکی از صحنه‌های پایانی داستان هنگامی که اعضای خانواده و دوستان ایران دور تخت او جمع شده‌اند، برای وی آرزوی سلامتی می‌کنند به آنها می‌گوید: همه می‌دانند که او در حال مردن است و تنها کسی که این قضیه را دیرتر از همه متوجه شده، خود اوست.

تتراژ پاپائی

پزشکان ما اعتقاد دارند که مردم بیش از آنکه به دنبال واقعیت وضعیت بیماری خود باشند، در پی آن هستند که آن را به هر شکل حل کنند. بنابراین نمی‌توان همه حقایق بیماری را برای بیمار بازگو کرد و همیشه باید یک جنبه محافظه‌کارانه را در نظر گرفت اما با این اوصاف نقش پزشک در مورد کمک به بیمار برای آگاهی وی کم رنگ می‌شود. به طوری که ممکن است بیمار احساسی کند پزشک برای آنچه که برای وی اتفاق افتاده، اهمیتی قائل نیست. حل این مسئله که پزشک چگونه می‌تواند در چنین شرایطی بیمار خود را مدبریت کند بسیار مشکل به نظر می‌رسد. افزایش آگاهی مردم، جلوگیری از تلاخل باورهای فرهنگی قومی و مذهبی در حیطه پزشکی بسیار مهم است. پزشکان باید نسبت به تصویر اجتماعی خود حساسیت بیشتری داشته باشند و نقش خود را به عنوان یک پزشک در مقابل سایر عوامل خارج از حیطه پزشکی متزائل نکنند. یک پزشک همواره باید بر اساس اصول علم پزشکی و اخلاق پزشکی گام بردارد و اینکه بدانند چگونه می‌توان در شرایط مختلف به وظیفه خود پایبند بود، به مهارت و تجربه او در برخورد با انسان‌ها وابسته است.

۵



پیشرو

آیدا اقصای

پدر پدر روانکاوی



اگر «دکتر پروتر» بعد از استغفا از مقام رسمی‌اش در دانشکده طب، سر راه منزل، توی خیابان‌های وین ۱۸۸۵ دنبال تابلوی یک روان‌شناس می‌گشت، تا کمی با همس گپ‌بزنند، اتفاقی سرر از کلینیک «زیگموند فروید» در مسی آورد، هیچ بعید نبود که فروید به او هم برچسب ناملایمات جنسی دوران طفولیت بزند! از نظر خودش هم لایذ به اندازهی کافی دلیل داشت: مرگ مادر در ۴ سالگی، یک پدر بهبودی مؤمن که مسدود درگیر تبلیغات مذهبی‌اش بسود، بزرگ‌شدن زیر دست یک مادربزرگ سالخورده و…

ولی چنین داستانی فقط زمانی می‌توانست اتفاق‌یفند که « فروید» شاکرد « دکتر پروتر» نبود و مبانی چیزی را که بعدها «روان‌اوی» نامیدشد از پروتر نیاموختموده سوده.تاهم نشود! پروتر روان‌پزشک نبود طب داخلی خوانده‌بود و یکی از به‌نام‌ترین فیزیولوژیست‌های زماش بود. فقط این سعادت را داشت که یکی از بیمارانش خانمی به‌شدت هیستریک باشد! او به جای ارجاع « آنا صبر و حوصله باعث‌شد بفهمد. تعریف‌کردن دغدغه‌ها و حتی توهمات این فرد باعث کاهش علام بیماری وی می‌شود او برای آسان‌تر کردن این مراحل از هیپنوتیزم کمک‌گرفت، تا جایی که همه‌ی علامت آنا ناپدید‌شد. پروتر به دو نتیجه‌ی بزرگ رسید: علامت این بیمار ناشی از افکاری بود که در ناخودآگاه وی دفن‌شده‌بود و صحبت‌کردن و وارد کردن این افکار و توهمات به خودآگاه باعث بهبودی وی شد.

ایسن اولین باری بسود که «روان‌اوی» با این کیفیت در مورد کسی اجرا می‌شد، ولی او این مسئله را منتشر نکرد. فقط آن را با شاگردش فروید در میان‌گذاشت. فروید شُروع به استفاده از این روش بسرای درمان بیماران خود کرد. او در مورد کیفیت پیشرفت کار با پروتر مشورت می‌کرد. مقاله‌ی ۱۸۹۳فروید درباره‌ی کار مشترکتشان چندان باب طبع پروتر نبود. فروید به هیپنوتیزم اعتقادی نداشت. از طرفی پروتر هم معتقد بسود فروید بیش از حد به مسائل جنسی بها می‌دهد. دو سال بعد که فروید مطالعه‌ای در رابطه با هیستری را منتشر کرد، استاد و شاگرد به‌کل از هم جدا شدند. پروتر اعلام‌کرد سرش شلغ است و فرصت درمان بیماران مشابه را ندارد، ولی فروید اعلام‌کرد چون « آنا» له دچار وابستگی شدید عاطفی به پروتر شده، پروتر از ادامه‌ی کار کناره‌گیری می‌کند!

در نهایت پروتر عطای « پدر علم روان‌اوی» شدن را به لقای فروید بخشید و به آغوش بر مهر طبابت و فیزیولوژی برگشت. علومی که به استاد اکتشافات و موفقیت‌های مکررش، بر نوع وی صحه‌می‌گذارنده؛ رفلس هرینگ- پروتر» ماحصل مطالعات او در رابطه با طبیعت رفلسی «تنفس»، فقط موضوع یکی از ۲۰مقاله‌ی اوست. یکی دیگر از مهم‌ترین یافته‌های پروتر در رابطه با فیزیولوژی مجاری نیمه‌پارهای گوش داخلی ست، واجریان مایخ- پروتر» نامیده‌می‌شود.



کار یمدیگاتور

–بیسن عزیزم تو این ششاسن رو داری که بسرای اولین بار در جهان، تحت این عمل چشمی قرار می‌گیری و ما می‌خوایم نتایج این‌عمل رو به‌عنوان یک مقاله‌ معتبر در نشریه‌های چشم پزشکی منتشر کنیم.
–خوب می‌توم بیرسم این چه جور عملیه؟

–نه، متأسفانه خودم هم چیز زیادی نمی‌دونم. آخه این یک مطالعه دوسو کوره.

–ای بابا یک عمل سساده فق که دیگه این همه استرس و نگرانی نداره.روزی هزار نفر ایسن کارو می‌کنند و هیچ اتفاقی برای کسی نمی‌افتد.

– آره، ولی من امروز متوجه شدم پدرزن جراحم، صاحب شرکت بیمه‌ایه که من خودمو توش بیمه عمر کردم.

دعوت به همکاری

بیمارستان ۱۶۰ تختخوابی امام‌علی(ع)
تأمین اجتماعی زرن جهت تکمیل کادر تخصصی پزشکی خود به یک نفر متخصص جراح عمومی نیازمند می باشد .

جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن های ۰۲۲۷۱۳۳۳۱۹۱۳۳۳۱۹۱۳۳۳ یا ۰۲۲۷۲۲۹۶۶۳۰۲۲۷ تماس حاصل نمایید.

آیامی‌دانید!

بیش از ۵۰۰ عنوان از کتاب‌های انتشارات تیمورزاده

۴۰ تا ۸۰ درصد کاهش قیمت داشته‌اند؟

ضمناً ، تخفیف ۱۶% هنگام خرید ، برای این کتاب‌ها نیز در نظر گرفته می شود .

منتشر شد

قابل توجه متخصصان علوم آزمایشگاهی و آسیب شناسی

بها: ۵۹,۲۰۰ تومان
بهای چاپ قبلی: ۹۲,۰۰۰ تومان

۸۸ ۳۲ ۹۰ ۹۰

قیمتی دیگر

جمعه‌ها باز هم

تلاش برای بهترین

کتاب‌های مرکزی انتشارات تیمورزاده
ششای : عدان هفت تیر، تیرا دی، فیضان قلبم مقام فرانسی ، شماره ۵ – تلفن : ۰۲۲ ۸۸ ۳۲ ۹۰ ۹۰
نیمه اول سال ۱۰۵۰ صبح تا ۱۹:۳۰
نیمه دوم سال ۱۰۵۰ صبح تا ۱۸:۳۰